



از این به بعد برنامه ریزی معیاری وجود ندارد: انکشاف اقتصادی در اوضاع شکننده درس هایی از افغانستان: روش های تحقیق و توسعه

مقالات پالیسی کنسرسیوم تحقیقات معیشت مصنون؛ معلومات، تحلیل ها و پیشنهادات کلیدی پالیسی را در رابطه به امور مربوط به معیشت، خدمات ابتدایی و محافظت اجتماعی در اوضاع متأثر شده از منازعه ارائه مینماید. این مقاله و سایر مقالات پالیسی، مقالات رهنمودی و مقالات کاری کنسرسیوم تحقیقات معیشت مصنون، در آدرس www.securelivelihoods.org قابل دسترس می باشد.

کنسرسیوم تحقیقات معیشت مصنون
انستیتیوت بیرون مرزی انکشاف
بلک فریزز لندن رود اس ای ۱۸ ان جی- انگلستان

تلیفون +۴۴- ۲۰۳۸۱۷۰۰۳۱

فکس +۴۴- ۲۰۷۹۲۲۰۳۹۹

ایمیل slrc@odi.org.uk

www.securelivelihoods.org

[@SLRCtweet](https://twitter.com/SLRCtweet)

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
مختصری از مقاله تحقیقی

از این به بعد برنامه ریزی معیاری وجود ندارد: انکشاف اقتصادی در اوضاع شکننده

درس هایی از افغانستان: روش های تحقیق و توسعه

جولیا مینویا و اورس شرید

اسد ۱۳۹۷

در مورد نویسندگان

این مقاله توسط جولیا مینویا و اورس شرید نوشته شده است. جولیا یک ایتنوگرافر و محقق اجتماعی است که با واحد تحقیق و ارزیابی همکاری دارد. اورس با بخش سکتوری اداره کمک‌های انکشافی جرمنی روی انکشاف پالیسی اقتصادی و سکتور خصوصی کار مینماید.

نظریاتی که در این مقاله ارائه گردیده مربوط نویسندگان آن میباشد و لزوماً منعکس کننده نظریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، پالیسی های رسمی حکومت بریتانیا، اداره کمک های آیرلند، کمیسیون اتحادیه اروپا و کنسرسیوم تحقیقات معیشت مصنون نمیشد.

۹۷۸-۹۹۳۶-۶۴۱-۰۰۹-۹

شماره استاندارد بین المللی (ISBN) نشریه

۱۸۰۵ D

کد نشریه

نظام الدین کتوازی

مترجم

©۱۳۹۷ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

این نشریه میتواند فقط برای اهداف غیر تجارتي و در صورت یادآوری نویسنده و منبع نقل قول، استناد و یا تکثیر گردد. تمام حقوق ناشر محفوظ است. هرگاه این نشریه چاپ مجدد، ذخیره و یا بصورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی www.areu.org.af (AREU) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هر گونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه قبلی بصورت تحریری از شرکت ناشر، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با ارسال ایمیل به areu@areu.org.af یا با تماس گرفتن با ۱۵ ۳۴ ۲۲۱ ۲۰ (۰) +۹۳ اخذ گردد.

در باره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی مستقر در کابل می باشد که در سال ۲۰۰۲ با همکاری جامعه بین المللی در افغانستان تأسیس گردید. هدف واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت عالی، مبنی بر شواهد، مرتبط با پالیسی و انتشار نتایج حاصله آنها و همچنان ترویج فرهنگ پژوهش و مطالعه می باشد. طبق گزارش دانشگاه پنسیلوانیا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منحصبت یک نهاد پژوهشی دارای جایگاه عالی در افغانستان بوده و در بین نهاد های پژوهشی در آسیای میانه در رده پنجم قرار دارد. همچنان، این نهاد برنده جایزه بهترین نهاد تحقیقاتی بین المللی سال ۲۰۱۸ مجله پروسپکت (Magazine Prospect) بریتانیا گردیده است. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و محصلین به منظور تحقق اهداف خویش ارتباط برقرار می نماید تا استفاده از نشرات مبنی بر شواهد و کتابخانه این واحد ترویج یافته، ظرفیت تحقیقی آنها تقویت شود و فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و تحلیل ها ایجاد گردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط هیأت مدیره اداره می شود که متشکل از نمایندگان ادارات تمویل کننده، بعضی سفارتخانه ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های چندجانبه، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل می باشد.

تمویل کنندگان برنامه ها:

تمویل کنندگان این اداره شامل نهاد انکشافی بین المللی سویدن (SIDA) و نهاد های بین المللی ذیل میباشند:

The European Commission (EC), United States Institute of Peace (USIP), Norwegian Institute of International Affairs (NUPI), Overseas Development Institute (ODI-UK), Promundo (US), Sustainable Development Policy Institute (SDPI), Regional Environmental Centre for Central Asia (CAREC), Institute of Development Studies (IDS) and Swiss Agency for Development and Cooperation (SDC), School of Oriental and African Studies (SOAS), Economic and Social Research Council United Kingdom (ESRC-UK) and The Regional Environmental Centre for Central Asia (CAREC).

همچنان این اداره عضویت شبکه های جهانی ذیل را دارا میباشند:

Resolve Network, Secure Livelihoods Research Consortium (SLRC), Global Challenges research Fund (GCRF), A Conflict Sensitive Unpacking of The EU Comprehensive Approach to Conflict, Crisis Mechanism (EUNPACK), ADB- Asian Think Tank Network (ATTN) and The Central Asian Think Tank Network (CTTN).

پیشگفتار

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان افتخار دارد که به تعقیب سلسله نشرات معیشت مصئون، مختصری از مقاله تحقیقی را در مورد انکشاف اقتصادی به خوانندگان خویش ارائه میدارد. این مقاله به تحلیل اوضاع شکننده اقتصادی در افغانستان پرداخته و بیان میدارد که موجودیت نهادهای ضعیف رسمی سبب گردیده است که اقتصاد در افغانستان بیشتر بر اساس قراردادهای اجتماعی شکل بگیرد. این مقاله سفارش می نماید که طرح کنندگان برنامه های اقتصادی باید تعامل همه سهامداران را در نظر گرفته و راه حل های مشترکی را بر اساس "بیش اجتماعی - اقتصادی" روی دست گیرند.

این تحقیق توسط جولیا مینویا، اینتوگرافر و محقق موضوعات اجتماعی از همکاران واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و همچنان اورس شرید که با بخش سکتوری اداره کمکهای انکشافی آلمان روی انکشاف پالیسی اقتصادی و سکتور خصوصی کار مینماید، و با همکاری سخاوتمندانه مالی UK Aid مربوط حکومت انگلستان، اداره کمک های ایرلند یا Irish Aid و کمیسیون اروپا، از طریق کنسرسیوم معیشت مصئون تهیه شده است.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به عنوان یک مرکز تحقیقاتی بیشتاز در زمینه تحقیقات علمی، افتخار دارد که با انجام تحقیقات مبتنی بر شواهد، فضا را برای گفت و گوهای بیشتر و بحث در مورد مسائل انکشاف اقتصادی باز می نماید.

امیدوارم این مقاله مورد توجه نهادهای تمویل کننده و نیز همکاران دولتی در عرصه اقتصادی قرار گرفته و بتواند تغییرات مثبت را در راستای اصلاحات انکشاف اقتصادی در جامعه به وجود آورد.

با احترام



داکتر اورخانا نعمت

رئیس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان



نظر کلی این مطالعه

در این مقاله، ما پیشنهادات کلیدی ای را ارائه میکنیم که همکاری های بین المللی باید هنگام روی دست گرفتن برنامه انکشاف اقتصادی در محیط منازعه دوامدار آن را در نظر گیرند. یافته های ما از تحقیقاتی گرفته شده که در افغانستان متمرکز بوده است.

ما بر اساس پنج مطالعه موردی روی زندگی اقتصادی و بازار ها در افغانستان^۱، درس هایی را که میتوانیم از مشاهدات بیشتر از پانزده سال مداخله بین المللی بیاموزیم، خلاصه مینمائیم. به این اساس، ما پیشنهاداتی را روی آنچه نهاد های انکشافی به گونه متفاوت در این کشور باید انجام دهند، طرح میکنیم. درسهایی از افغانستان و پیشنهادات در رابطه به پالیسی ها نیز پس زمینه پیشنهادات عمومی ما را در مورد آنچه که باید نهادهای بین المللی انکشافی هنگام به عهده گرفتن انکشاف اقتصادی در اوضاع شکننده در نظر گیرند، شکل میدهد.

بعد دومی در این بحث، همکاری چالش زا میان بخش اکادمیک و مجریان برنامه های انکشافی در عقب طرح برنامه انکشافی میباشد. ما شاهد هستیم که مجریان برنامه های انکشافی اکثرا از تحقیق کنندگان این توقع را دارند که راه حل های مناسب را برای مداخلات انکشافی ارائه کنند. تا به حال، راه حل های پیشنهاد شده ای که در نتیجه تحقیق بدست آمده اند اکثرا به اثر محدودیت های جهان عینی^۲ به مثابه راه های غیر

عملی، رد گردیده اند. برعکس، جامعه تحقیق در مورد شیوه ای که برنامه های انکشافی طرح و تطبیق میکنند، شک و تردیدی ندارد. این امر بطور ویژه در محیط های شکننده واقعیت دارد، جاییکه منتقدین نبود شناخت محسوس از ساختار های اجتماعی - اقتصادی و عدم انگیزه یا کند کاری کارمندان را شامل میسازند.

به عنوان نویسنده این مقاله، ما با داشتن سابقه در بخش اکادمیک و بخش عملی، نقاط تنقیدی هر دو جانب را تأیید کرده و تلاش مینمائیم تا هر دو دیدگاه را باهم یکجا سازیم. ما راه حل های مشخص تخنیکی را ارائه نمیکنیم (طوریکه تمویل کنندگان این کار را انجام میدهند) و در عوض، در سطح وسیعتر پیشنهاد قرار میگیریم، (این چیزی است که تمویل کنندگان برای موفقیت خود باید آن را در نظر گیرند). ما پیشنهادات خود را که ناشی از تحقیق اکادمیک است با در نظر داشت محدودیت های جهان عینی که تمویل کنندگان هنگام تطبیق برنامه های انکشافی خود با آن مواجه اند، مانند سایر مقالات باز تاب میدهم، (بطور مثال، ما در نظر میگیریم که آیا تطبیق پیشنهادات ما بطور کامل با در نظر داشت محدودیت های قانونی، سیاسی یا زیر ساختی، امکان پذیر است). با به کار گیری این شیوه، ما در نخستین مرحله بحثی را میان محیط اکادمیک و اجراء کنندگان باز مینمائیم. این بحث و گفتگو در رابطه به بهتر دانستن نیازمندی ها و محدودیت های مربوطه اهمیت دارد تا بدین ترتیب راه حل های تخنیکی را طرح نموده که در نهایت منجر به ایجاد برنامه های انکشافی مؤثرتر و مبنی بر یافته های جدیدی گردد که در نتیجه تحقیق بر اساس مشاهده به دست آمده اند. به این خاطر که بتوانیم مرحله راه اندازی این بحث را ترتیب نمائیم، ما این مقاله را با مرور سریع از نقش های مربوط به تحقیق کنندگان و مجریان و اینکه چگونه هر دو طرف میتوانند از یکدیگر نفع ببرند، آغاز مینمائیم.

۱ استفاده از اصطلاح "ما" در این مقاله به صداهای دو نویسنده، جولیا مینویا و اورس شرید راجع میگردد.

۲ این موارد مطالعاتی طی یک برنامه شش ساله برای چندین کشور به میان آمده است: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنون.

۳ محدودیت های جهان عینی شامل عدم اراده سیاسی میگردد، ولی همچنان چالش هایی را شامل میگردد که در سطح تطبیق صورت میگردد، مانند مشکلات لوجستیکی در اوضاع شکننده یا مسائل قانونی مانند تدارکات.

همکاری ابتدایی و نقش محققان و مجریان در برنامه ریزی انکشافی

پالیسی سازان و طراحان پروژه های انکشافی اکثراً ادعا میکنند که تحقیق باید نقش بسیار مهم را در ترتیب برنامه های انکشافی بازی کند. ولی چگونه ما میتوانیم یافته های تحقیق را به معلومات مفید برای اجراء کنندگان در آوریم؟ ما فکر میکنیم که پاسخ به این سوال در دانستن نقش های که اشخاص اکادمیک و مجریان در برنامه ریزی انکشافی بازی میکنند، قرار دارد.

محققان اکثراً بخاطری مورد انتقاد قرار میگیرند که مسائل مورد ضرورت مجریان را به دسترس شان قرار نمیدهند: سفارشات واضح و مشخص در رابطه به اینکه چه را و دقیقاً چگونه انجام دهند. مطلب اینست که تحقیق باید «پیچیدگی ها را به طور مؤجذ تفهیم نماید» (مالیت ای ال. ۲۰۱۷ ب). به هر حال، این موضوع آنقدر منصفانه نیست. گرچه تحقیق باید خوب مستند باشد و جزئیات متنی را فراهم سازد، بطور خاص در رابطه به محیط های پر منازعه، نقش ابتدایی تحقیق این نیست که برای برنامه های انکشافی ابزار و اسباب فراهم سازد، ولی تحقیق باید شناخت و درک لازم از مقررات اجتماعی و تخنیک های اجتماعی را فراهم سازد. بعداً این وظیفه طراحان برنامه است که یافته های تحقیق را به تئوری های مربوط به تغییر و مداخلات انکشافی بعدی تبدیل نمایند.

طرح برنامه های انکشافی در واقع فقط شامل ملاحظات تخنیکی نیست. گرچه این نظر آخری، رویکرد مفهومی مداخله انکشافی را بطور کامل رهنمایی و هدایت مینماید، ولی جهات دیگری وجود دارد که برنامه سازی را مشخص مینماید. این جهات شامل اهداف سیاسی میگردد، مانند برنامه های انکشافی به مثابه ابزار دسترسی به افراد قدرتمند؛ مجبوریت های قانونی (بطور مثال، همکاری دو جانبه هنگام معامله با فعالین غیر دولتی با مشکلات مواجه میگردد)، چالش های تطبیق عملی، آگاهی و بصیرت در رابطه به جهات غیر تخنیکی که برنامه ریزی انکشافی را مشخص مینماید اکثراً برای حاملین علم و دانش در نهاد های انکشافی اختصاص داده شده است و این چالش ها شامل پیدا کردن کارشناسان تخنیکی که آماده باشند در ساعات دور افتاده و پر منازعه کار نمایند، میگردد. با توجه به دامنه گسترده، پیچیدگی و احیاناً ماهیت حساس آنان، کار گزاران «در بیرون از مجمع» اکثراً در درک این محدودیت ها با مشکل مواجه میگردند. ما در این مقاله پیشنهاد میکنیم که به دانش متنی بیشتر ضرورت میباشد و تمویل کنندگان و کار گزاران انکشافی باید ظرفیت منابع مالی و مردمی را جهت درک این امر که پروسه های سازمانی آنان چگونه میتواند تغییر یابد، گسترش دهند تا بتوانند تحرکات قدرت را در جائیکه آنان مداخله مینمایند به عهده گیرند.

ما فرض میکنیم که برنامه ریزی انکشافی این هردو را مد نظر میگیرد:

■ پیشرفته ترین بینش و آگاهی از مقررات اجتماعی و شیوه های طرح منطق موثر و اثرگذار.

■ جهات غیر تخنیکی که برای عملی شدن برنامه های انکشافی ضروری میباشد.

میدانیم که موضوع نخست در حیطه نقش اکادمیک ها و دومی در حیطه نقش مجریان قرار دارد. بنابر این، رشد ابزار و رویکرد های جدید برای مداخلات انکشافی میتواند فقط در صورتی به میان آید که محققان و

مجریان بحث ها و گفتگو ها را در یک مرحله بسیار ابتدایی آغاز نمایند. این بدین معناست که تحقیق میتواند از ارائه راه حل های تخنیکی که در حیات واقعی و عینی امکان پذیر نیست خود داری کرده و اطمینان دهد که مجریان به اساس آخرین دست آورد های علمی کار مینمایند.

نوشته ها در مورد انکشاف، بیشتر روی نیاز به کار با نهاد های موجود صحبت نموده اند و به این ترتیب از رهنمودهای از قبل تعیین شده و از رویکرد های تکنوکراتیک مطابق به معیار های غربی مبنی بر اینکه «اشیا باید چگونه کار کنند»، باید پرهیز شود. پیشنهاد ما اینست، گرچه میزبریم که پذیرفتن در تئوری آسان و در عمل مشکل است، در عوض تبادل نظر پایدار میان تطبیق کنندگان و تحلیلگران برنامه ای وجود داشته باشد تا یک «کار در حال انجام» بتواند در ایجاد رهنمود های متنی میان بخش عملی و تحقیقی کمک نماید. (اندریوات ال. ۲۰۱۲).

این مقاله در واقع بحث در باره رویکرد های انکشافی را منعکس مینماید، مانند «انکشاف به شکل متفاوت»، «مدیریت تطابقی» و «فکر کردن و کار کردن سیاسی» (گرین ۲۰۱۶؛ آزمایشگاه آموزشی ۲۰۱۸). این ها آگاهی ها را در رابطه به تغییر پروسه های سازمانی فراهم ساخته و استفاده از شواهد متنی و کار گزاران را بهتر مینماید. به هر صورت، مطالعات مواردی از افغانستان را که ما تحت کنسرسیوم تحقیقات معیشت مصئون انجام میدهیم، پیشنهاد مینماید که همکاری میان محققان و مجریان آنطور خوب که باید باشد^۴ نیست و میشود که برای ایجاد گفتگو میان این دو، کارهای زیادی را انجام داد. مقاله حاضر به این هدف نوشته شده است تا این گفتگو و مباحثه را حمایت نموده گسترش دهد.

درس هایی از افغانستان

مطالعات مواردی کنسرسیوم تحقیقات معیشت مصئون روی بازارها و حیات اقتصادی، موازی با مطالعات موردی در قسمت حل و فصل سیاسی، به این نتیجه دست یافته است که بازار های سیاسی و اقتصادی در افغانستان عمیقاً در دام کار گزاران قدرتمندی که اکثراً نقش های کلیدی را در هر دو ساحه بازی میکنند، گیر مانده است. گرچه به نظر میرسد که افغانستان یک اقتصاد باز است، اما مقررات اجتماعی رقابت و سهم گیری را به نفع آنانیکه از قبل در قدرت اند، محدود مینماید. بنابر این، باید اولاً داینامیک هایی را مورد ملاحظه قرار دهیم که بازار ها و سیاست های افغانستان را اداره مینمایند.

تلاش هائیکه توسط کار گزاران بین المللی به منظور ایجاد نهادهایی که میتوانند نمونه های غربی را کاپی نمایند، صورت گرفته است و این منجر به گیر ماندن آنان در یک دوگانگی کاذب که در اطراف ساختار های رسمی و غیر رسمی ایجاد شده اند، گردیده است. طوریکه پیر چیت و وولاک توضیح مینمایند (۲۰۰۲)، تقلید سازمانی، یا استراتژی «پرش مستقیم ویر»، یک مشکل محوری در کشور های در حال توسعه است، جائیکه حکومت ها نهاد های غربی را از طریق میراث

۴ یک دلیل بر این امر ممکن است این باشد که موقعیت برای همکاری کافی نیست. اینجا ظاهراً کانفرانس های مختلف و سایر ارتباطات میان دانشگاهیان، پالیسی سازان و مجریان انکشاف موجود است. به هر صورت، حتی اگر طوری دیگری مطرح باشد، این موقعیت ها محل مناسب برای همکاری مساعد کرده نمیتواند ولی بیشتر منجیب فرصت برای تبادل معلومات به یکدیگر عمل میکند.

۵ تعریف «بازار سیاسی» از منبع ذیل گرفته شده است: دیوال، ای. (۲۰۱۵). سیاست های واقعی شاخ افریقا. پول، جنگ و کاروبار قدرت. کمبریج: نشرات پویتی

استعماری یا بطور ساده به شیوه تقلید، اقتباس مینمایند.

طوریکه ما در سراسر این مقاله تشریح خواهیم نمود، کشور های مانند افغانستان سرزمین های دشوار برای تمویل کنندگان هستند.

اقتصاد اجاره ای

اصطلاح اقتصاد اجاره ای به اساس تشریح «گودهاند» از اصطلاحات اقتصاد جنگ، سایه و مقابله به میان میآید (گودهاند ۲۰۰۵). اینجا، کارگزارانیکه از نفوذ سیاسی قوی برخوردارند با استفاده از ارتباطات شان کرایه بازار را برای خود جذب و جهت زنده و فعال نگهداشتن شبکه هایشان -البته مطابق روش های انحصار گرایانه برای آنانیکه از ارتباطات کمتر نیرومندی برخوردارند- دوباره توزیع مینمایند. اینگونه اقتصاد کرایه ای در مراکز ولایات مشهود میباشند، مانند نگرهار و قندهار. طوریکه توسط جکسن در ۲۰۱۵ گزارش داده شده بود، در شهر جنوبی قندهار بعد از سال ۲۰۰۱، عواید گمرکات برای حمایت نخبگان محلی که جهت کسب قدرت تلاش مینمودند حیاتی بود. طبق اظهارات کسانیکه معلومات داشتند، رئیس پولیس سرحدی آن وقت، دگروال عبدالرازق، از کارمندان امنیتی جهت کنترل مقررۀ تنظیم واردات تلفیون های موبایل، سامان آلات برقی، موتورها و تیل به داخل قندهار، استفاده میکرد. فقط آن تجاریکه بطور محتاطانه از طریق مزایده هفته وار انتخاب میگردد میتواند که اجناس را از پاکستان از راه سبین بولدک وارد نمایند. عواید هفته وار پولیس سرحدی از این مالیۀ غیر رسمی تقریباً در حدود ۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دالر امریکایی میشد (مینویا و پین ۲۰۱۵).

این قسماً به علتی میباشند که اینها مناطقی هستند رسمی و غیر رسمی، یا مطابق اظهارات حال وارد «امور اعلان شده از طرف اداره» و «وضعیت واقعی جهان» با هم تداخل دارند. این مقاله را بر اساس توضیح عملکرد سیاست ها و اقتصاد افغانستان، که از درک ماهیت توزیعی آن که دارای میخانیکیت های محوری میباشند و اینجا به آن به مثابۀ «قواعد بازی» اشاره شده است، تهیه میکنیم (جکسن ۲۰۱۶؛ جکسن و مینویا ۲۰۱۶). طوریکه جکسن تشریح مینماید (بر اساس کار دگلس نارت در مورد کنترل نخبگان بر منابع در وضعیتی که دسترسی به نظم محدود باشد)، نهاد ها فقط به نام وجود دارند، ولی شبکه ها و ارتباطات آنان بر دسترسی به منابع حکومت مینمایند. یک سیستم شبکه توزیع در واقع در مرکز این مقررات وجود دارد، به عنوان «شبکه دسترسی» و به آنانیکه قدرت و منابع را در اختیار دارند اجازه میدهد تا کرایه ها را جمع آوری کرده و در راه منفعت ارتباطات خود دوباره توزیع نمایند. از طریق همین میکانیزم، شبکه های موجود زنده نگهداشته شده و به فرصت های جدید بازار ها شکل بخشیده است.

در نتیجه، این امر آنان را متأثر میسازد که دارایی اندک ثابت دارند و دیگر گزینه ای جز تلاش برای بقای خود در حواشی شبکه های قدرتمند ندارند. بطور مثال، در یک محیط بسیار خطرناک، بازارهای افغانستان خانوارهای بی بضاعت روستایی را مجبور میسازد تا فعالیت های را انتخاب نمایند که کم خطر داشته باشد و بدین ترتیب عواید اندک به دست آورند.

جستجوی داینامیک های که بر بازارهای سیاسی و اقتصادی افغانستان حکومت میکند، یک نمونه ای از تعامل سیاسی و اقتصادی را تشریح مینماید که عمیقاً در سیستم های فرهنگی و اجتماعی افغانستان ریشه دارد. دولت در

افغانستان بر مبنای فعالیت مینماید که شاید برای تمویل کنندگان غربی قابل قبول نباشد ولی فایق آمدن بر آن اشکال پیچیده حمایت و مشتری گرایی که عملاً چارچوب سیاسی و اقتصادی را تعیین مینماید، به یک تغییر پایدار اجتماعی ضرورت دارد. اینکه به کدام اندازه فعالیت های انکشافی تمویل کنندگان میتواند یک تغییر اساسی و انتقالی را تسهیل نماید، معلوم نیست، اما این واضح است که وقوع این امر به سالهای زیادی ضرورت خواهد داشت. فعلاً اگر تمویل کنندگان بین المللی و نهادهای کمک کننده تصمیم گیرند که برنامه های انکشافی (اقتصادی) را در افغانستان تطبیق کنند، باید بپذیرند که آنان با سیستمی مواجه اند که مطابق مقررات مختلف مربوط خود شان کار میکنند. تعامل با اقتصاد و سیاست های افغانستان نیاز به تعامل با شبکه ها و ماهیت توزیعی اقتصاد آن کشور دارد. (جکسن ۲۰۱۶).

یافته های بالا کارشناسان را با یک چالش جدی مواجه میسازد. جایکه فعالیت های انکشافی، تأثیرات توزیعی اقتصاد افغانستان را نیرومند میسازد، اینها ممکن با اصول محوری همکاری انکشافی در تضاد باشند. بطور مثال، متعهد بودن با تحقق اهداف توسعه پایدار سال ۲۰۳۰، دولت های عضو سازمان ملل متحد فقط در این اواخر مشخص ساختند که فعالیت های انکشافی باید همه بخش های جامعه را در بر داشته باشد و تلاش نماید تا اولاً به آنانیکه بیشتر عقب مانده اند رسیدگی صورت گیرد (اجندای به عقب نگذاشتن هیچ کس). الحاق آن با ماهیت توزیعی سیستم اقتصادی افغانستان به نظر میرسد تأثیرات متضاد داشته باشد: در صورتیکه عواید انکشاف اقتصادی عمدتاً میان قدرتمندان توزیع گردد، فواید انکشاف به طور مساویانه شریک نمیکرد و رشد اقتصادی همه گیر نمی باشد.

اصول متضاد همکاری انکشافی عامۀ پیشنهاد مینماید که انکشاف اقتصادی باید به گونه متفاوت در افغانستان صورت گیرد. به هر صورت، این امر مستلزم اینست که تمویل کنندگان بین المللی و نهاد های تطبیق کننده در رابطه به رویکرد انکشاف اقتصادی شان دوباره فکر کنند. بطور مثال ما در بخش های بعدی خواهیم دید که طراحان برنامه ها و دست آوردهای پالیسی انکشاف روستایی ماهیت توزیعی اقتصاد افغانستان را نادیده گرفته و آن را در عملکرد های برنامه ای پیاده نموده اند.

ما چه چیزی را دریافتیم؟

طبق شواهد سه فکتور عمده باید در نظر گرفته شود:

۱. کار گزاران انکشافی باید بپذیرند که اقتصاد افغانستان مطابق مقررات متفاوت کار میکند

در میان پالیسی سازان و پلان گزاران برنامه ها، در رابطه به اینکه اقتصاد افغانستان دارای مقررات و داینامیک های مخصوص به خودش میباشند، آشنایی محدودی وجود دارد. بسیاری از برنامه های انکشافی در افغانستان بر مبنای این فرضیه اساسی استوار است که بازارها محلات بیطرف تبادلات هستند و بر اساس مقررات رسمی شکل گرفته که بر همه کارگزاران یکسان تطبیق میشود. بخاطر بهبودی فرصت های اقتصادی در این سیستم، رویکرد های معیاری انکشاف

۶ مثال ها در اینجا شامل رویکرد ها بخاطر توسعه زنجیره ارزش، بهتر ساختن محیط توانمند سازی یا ترینگ های حرفوی و انکشاف مهارتها، میگردد.

اقتصادی تطبیق می‌گردد. دلایل مختلف ذیل توضیح می‌دهد که چرا اقتصاد توزیعی افغانستان مورد قبول عده‌ای محدود قرار گرفته است:

- تأیید اقتصاد توزیعی افغانستان و ساختارهای حمایتی و مشتری‌گرایی، تلاش‌ها و فراهم‌آوری وجوه وسیع مالی، تمویل کنندگان را در عقب‌فعالیتهای دولت‌سازی تحت الشعاع قرار داده و آن را غیر مرتبط ساخته است.^۷
- مشکلات شامل شدن به چنین سیستم بی‌ثبات شبکه‌ای کارگزاران شاید نهاد‌های کمک‌رسان بین‌المللی را مجبور ساخته باشد تا به روایات داخلی با اعتبار خودشان پایبند باشند تا اینکه جهت ایجاد پروژه‌های جدید تلاش کنند که طیف وسیع مردم افغانستان را در برنامه‌هایشان شامل سازند.
- جامعه بین‌المللی تا حال فاقد کتگوری‌های تحلیلی است تا بتواند اقتصاد توزیعی افغانستان را تشریح کرده و با آن وارد تعامل شوند و به همین دلیل تصمیم گرفته‌اند تا آن را نادیده گیرند.

بالاخره، تردیدی وجود ندارد که ابزاری که توسط کارشناسان توسعه مورد استفاده قرار گرفته تا داستان اقتصاد افغانستان را بازگو نماید، جهت‌هویت و معیارهای اجتماعی را به مثابه محدودیت فرصت‌های اقتصادی ملاحظه نکرده‌اند. بنابر این، به رویکرد‌های تحلیلی جدید ضرورت است تا بازارها و اقتصاد افغانستان شناسایی شود و در نتیجه به ابزارهای عملیاتی برای پالیسی‌نیاز است.

۲. کارگزاران انکشافی باید چگونگی کار عملی بازارهای افغانستان را بدانند تا بدین ترتیب الگوهای برنامه‌ای جدید را جهت انکشاف اقتصادی شکل دهند

شناخت بسیار اندک در مورد طرز‌العمل‌های مقرراتی که بازارهای افغانستان را اداره می‌کند وجود دارد و حتی ادعان کردن به ماهیت توزیعی اقتصاد افغانستان در نخستین مراحل و طرح مداخلات سفارشی انکشاف اقتصادی چالش‌زا است.

تحلیل‌های زیادی در رابطه به کاستی‌ها و محدودیت‌های سیستم اقتصاد افغانستان وجود دارد. سلسله این تحلیل‌ها از گزارشات در مورد فضای سرمایه‌گذاری و بررسی به راه انداختن تجارت در سطح پالیسی آغاز و تا به تحلیل خلاء در زنجیره‌های ارزش در سطح بازار و کاروبار کوچک می‌رسد. نتایج این تحلیل‌ها مهم بوده و باید در نظر گرفته شوند. به هرصورت، این تحلیل‌ها برای طرح برنامه‌ای که بتواند اهداف کلی و انکشاف مردم محور را برآورده سازد، کافی نیست. بطور مثال، برنامه‌ای که بر اساس بررسی از به راه انداختن تجارت آغاز گردد و مصمم باشد تا ثبت و راجستر ملکیت‌ها، محافظت از سرمایه‌گذاری اقلیت‌ها یا به راه انداختن تجارت در امتداد سرحدات (بهبود کلی کاروبار) را بهتر سازد، در صورتیکه به محدودیت‌های کار آفرینی که ریشه در ماهیت توزیعی بازارهای افغانستان و در عین وقت در

۷. طوریکه جکسن طرح مینماید، تلاش‌های حکومتداری کارگزاران بین‌المللی قبل از سال ۲۰۱۰ روی کابل متمرکز بود، سایر ولایات را با آنچه از حکومت‌های گذشته باقیمانده‌ها کردند. برای مطالعه بیشتر مداخله بین‌المللی در افغانستان و تلاش‌هایشان برای ساختن حکومتداری ملی و محلی، جکسن، ای. (۲۰۱۶) مانند یک دولت شبکه‌یی: حکومتداری محلی در افغانستان را ببینید. گزارش ۱۲. لندن. کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصنون.

مقررات اجتماعی مربوطه دارد، توجه نکند موفق نخواهد بود.

برنامه‌هایی مانند برنامه رشد زراعت و انکشاف دهات نمونه‌ای از زنجیره ارزش را برای این هدف روی دست گرفته است که بتواند خدمات مقدماتی و حمایت زیربنایی را فراهم سازد، تا بدین ترتیب اشتغال، درآمد و فرصت‌های کاری را در توده‌های روستایی، افزایش دهد. این برنامه که هماهنگ با بانک جهانی است (۲۰۱۴)، فراهم‌آوری مواد مقدماتی، تربینگ‌ها و طبقه‌بندی کردن ساخت زیربنا را منحیت دست‌آورد‌ها شکل می‌دهد، به این ترتیب عدم دسترسی به اعتبار (کریدیت) و معلومات را به مثابه عواملی که می‌توانند دهاقین را از متقبل شدن خطرات باز دارند، شناسایی میکند. به هرصورت، شواهدی از مطالعات موردی نشان داده است که اعتبار غیر رسمی برای دهاقین و تاجران در هرات و ننگرهار وسیعاً وجود دارد، ولی اجرات انحصاری که دسترسی به بازارها را تنظیم میکند، عواید را برای آنانیکه ارتباطات قوی ندارند محدود می‌سازد (مینویا و پین ۲۰۱۶؛ مینویا ۲۰۱۴). این و سایر مثال‌ها، مانند برنامه ملی انکشاف صنایع روستایی افغانستان، نشان می‌دهد که روی دست گرفتن رویکرد زنجیره ارزش به نهاد‌های اجتماعی که تبادلات بازار را تنظیم کرده و خطرات را برای کارگزاران کم قدرت در یک محیط پر منازعه شکل می‌دهد، توجه اندکی کرده‌اند.

ابعادی مانند منازعه و خطر و نقش نهاد‌های اجتماعی در ساختن تبادلات بازار در اسناد پالیسی مانند بازنگری بخش زراعتی بانک جهانی (بانک جهانی ۲۰۱۴) نیز فراموش شده است. تمرکز تحلیلی این بازنگری روی تولید و طرح‌های اجمالی تغییرات بالقوه سود مندی، مانند ادغام خرده مالکین در زنجیره‌های زراعت تجارتی می‌باشد. این طور فرض گردیده که به نخستین ساحاتی که دارای محصولات با ارزش بالا و مناسب برای صادرات‌اند توجه صورت گیرد. این امر می‌توانست باعث حاصلات بهتر زراعتی و دسترسی به فعالیت‌های درآمد زای غیر زراعتی در محلات روستایی شده، تقاضا را افزایش داده و مهاجرت به شهرها و اشتغال با مزد را زیاد کند.

رویکرد "اولین یاد آور" مربوط بازنگری سکتور زراعتی بانک جهانی میشد که متمرکز به ساحاتی بود که دارای ظرفیت بالا بودند و مبنی بر این فرضیه بود که اثر اقتصادی آن ممکن به پائین نیز نشأت کند. ولی این دیدگاه به وضعیتی که تحت آن انقلاب‌های سبز به وقوع پیوسته توجه نکرده است (بطور مثال محافظت دولت از رقابت جهانی و محافظت از خرده مالکین یکجا با تقاضا برای شهر نشینی). به هرصورت، بازنگری سکتور زراعتی این امر را به فراموشی سپرده که کارگزاران مختلط قانونی، غیر قانونی و کمک‌رسان را که بازارهای امروزی افغانستان را جعلی و ساختگی ساخته‌اند، مورد ملاحظه قرار دهد. (مینویا و پین ۲۰۱۷؛ گیانو. ۲۰۱۵).

این یک امر کاملاً چالش‌زا می‌باشد ولی ضروریست که میخانیکیت‌های نهادهای اجتماعی را که اقتصاد افغانستان را در تئوری تغییر، شکل می‌دهد شامل ساخت. با چند استثنائات از تحقیقات ساحوی، نهادهای تمویل‌کننده با شواهد اندک از اینکه بازار افغانستان واقعاً چگونه تنظیم می‌گردد، برنامه‌ها را شکل می‌دهند. علاوه بر این، مهارت‌ها، ظرفیت‌های تحلیلی و ابزار شناخت از چگونگی اقتصاد افغانستان در واقع در بسیاری از نهادهای انکشافی افغانستان در دسترس نیست. این امر شناخت معیارهای اجتماعی، توقعات و ارتباطاتی که دسترسی انفرادی را به فرصت‌های اقتصادی تنظیم میکند شامل می‌گردد، همچنان این امر

شامل نقایصی مانند مهارت های تخنیکي و نظم اداری میگردد.

۳. کارگزاران انکشافی باید آن رویکرد های معیاری انکشاف اقتصادی را تکمیل نمایند که محدودیت های را که ریشه در هنجارهای اجتماعی، مجبورت ها و روابط بر اساس اعتماد دارند، مورد رسیدگی قرار میدهند

ما تجربه اندک در علاوه کردن رویکردهای معیاری انکشاف اقتصادی با ابزارها و شیوه های تحویل دهی داریم که هدف آن توجه به هنجارهای اجتماعی، توقعات و ارتباطات، که در واقع توزیع فرصت های اقتصادی در افغانستان را تعیین مینماید، میباشد. این به آن معنا است که حتی در صورتیکه ما بتوانیم به طور کامل مقرراتی را که بازار افغانستان را اداره میکند شناسایی کنیم، باز هم ما در انتقال دانش خود در طرح برنامه های انکشاف اقتصادی با مشکلات مواجه میشویم.

یک مطالعه موردی در رابطه به بازارهای اشتغال، که متمرکز بر دسترسی زنان و مردان جوان به بخش خیاطی کابل بود از نقش جنسیت، نژاد و ارتباطات اجتماعی در سهم گیری یا محرومیت از فرصت های شغلی پرده برداشته است. اگرچه زنان و مردانی که با ایشان مصاحبه صورت گرفته با محدودیت های مختلف در دسترسی و حفظ وظایف شان مواجه بوده اند، ولی این مطالعه حاکی است که نه تنها نبود تساوی اجتماعی ماهیت جنسیتی دارد، بلکه وابستگی های خویشاوندی و وفاداری که اکثراً به خویشاوندان ذکور ارتباط پیدا مینماید، عدم تساوی ها را بوجود می آورد و هردو (ذکور و اناث) را از استقلالیت محروم می سازد. (بین و مالیت ۲۰۱۴: ۴). اگرچه این مطالعه موردی در رابطه به خیاطی نشان داده زنایکه بدون حمایت پدر سالاری وارد بازار میگرددند در معرض خشونت و استبداد قرار گرفته اند، جنسیت میتواند یک بُعد در میان ابعادی چون (صنف، طبقه و موقف اجتماعی) مورد ملاحظه قرار گیرد که با به میان آمدن یک هویت اجتماعی در تقاطع قرار دارد. (مالیت و بین ۲۰۱۸). یک مطالعه موردی روی اقتصاد زعفران در هرات نشان داده است که فقط زنایکه مربوط فامیل های ثروتمند و قدرتمند هستند میتوانند به طور استثنایی میراث بگیرند و صاحب زمین شوند، در حالیکه برای اکثریت زنان در مناطق روستایی هرات، بازار زعفران فقط یک فرصت مزد کاری با معاش اندک و موسمی را فراهم میسازد. (مینویا و بین ۲۰۱۶).

به تعقیب این مثال، مجریان باید از خود بپرسند که آنان چگونه میتوانند برنامه هایی را طرح و تطبیق نمایند که موانع فرصت های اقتصادی را که ریشه در هویت (بطور مثال نژاد، جنسیت یا وضعیت اقتصادی) دارد مورد رسیدگی قرار دهند. این یک پرسش پیچیده ای است که امکان دارد چندین پاسخ برایش ارائه کرد. ارائه پاسخ های مفصل و معلق به این پرسش امکان دارد که وقت و پول زیاد بخواهد. برخلاف این، بسیاری از تمویل کنندگان و نهاد های تطبیق کننده از مواجه شدن با این موضوع ظفره میروند. به هرصورت، عدم توجه به نهاد های اجتماعی که اقتصاد افغانستان را شکل میدهد، البته در رابطه به تأثیرات برنامه ها و پالیسی ها، دارای پیامد ها و عواقب منفی نیز میباشد. طوریکه ما مشاهده کردیم، این امر اجراءات موجوده را که عبارت از محرومیت فرصت های اقتصادی است، تقویت مینماید. ما باید پیامدهای این امر را هنگامیکه محدودیت های سیاسی و تخنیکي را که فرهنگ سازمانی نهاد های تمویل کننده ارائه مینماید، مورد ملاحظه قرار دهیم.

نهاد های انکشافی در افغانستان باید چه چیز را به گونه متفاوت انجام دهند

جامعه بین المللی طی ۱۵ سال یک مقدار هنگفت منابع را در نهاد سازی سرمایه گذاری کرده اند، ولی طوریکه ما در بالا تشریح کردیم شبکه های شخصی، دولت و اقتصاد را به پیش میبرد. این امر به آن معناست که نهادها به جای اینکه به مثابه واحد های مستقل عمل کنند به منافع شخصی و فردی وابسته اند.

مشاهده کالاهای بازار میتواند این موضوع را به خوبی توضیح نماید. نخست از همه، ما مشاهده میکنیم که کاروبار روغنیات، تولیدات و تجارت توسط شبکه های گسترده ولی انحصاری غیر رسمی (قرضه غیر رسمی) صورت میگیرد که میتواند در امتداد سرحدات افغانستان تا داخل پاکستان گسترش یافته و فقط به اساس اعتماد و ارتباطات شخصی فعالیت نمایند. شبکه های حمل و نقل (ترانسپورت) که تجارت میوه و سبزیجات را در شرق افغانستان کنترل مینمایند و از جلال آباد تا پاکستان امتداد مییابد، این نقطه را به خوبی تشریح میکند. یک متنفذ کوچک که با والی پیشین (گل آغا شیرزوی) ارتباط قوی میداشت میتواند یک کارتل را ایجاد نماید. این متنفذ تجارت میتواند که بازار پیاز را تحت نفوذ خود قرار دهد، نرخ ها را تعیین نماید و بدین ترتیب حجم های زیاد پیاز را کنترل نموده و سود را به تجاران کوچک محدود نماید تا از ورود آنان به بازار جلوگیری نماید. این شبکه کوچک تجار متنفذ از آن ارتباطات نیز منفعت میبرد که از اتاق های تجارت و صنایع افغانستان بخاطر تبانی با پولیس سرحدی استفاده نماید تا بدین ترتیب مالیات گمرکات را کنترل نموده و تا به یک قیمت پائین به کراچی برسند. در عین وقت، تجار در سطح ولسوالی ها از دسترسی به بازار محروم گردیده اند که این امر کار را برای دهاقین مشکل میسازد و آنها نمی توانند کرایه و منفعت دلخواه شان را بدست آورند. (مینویا ۲۰۱۴).

بازارها در افغانستان

از کتگوریهای مروج برای تشریح بازارها نمیتوان در افغانستان استفاده کرد. عمده فروشان و پرچون فروشان فقط نام هائی هستند که نمی توانند تشریح کنند کار گزاران چه میکنند. طوریکه در بازار زعفران هرات، جائیکه تجار شهری در تولید زعفران از طریق اجاره یا بدست آوردن زمین مشغول بوده و کارگر استخدام میکنند، زعفران را تولید میکنند و صادر مینمایند. بطور مشابه، زارعین زعفران که خود شان نیز اعضای نخبگان قریه اند، کارگران را استخدام میکنند، اعتبار فراهم مینمایند و زعفران را به خارج صادر میکنند. (مینویا و بین ۲۰۱۶). این مثال بطور واضح تقاضا مینماید که کتگوری های تشکیل دهنده قدرت، باید هنگام تعامل تحلیلی و سیاسی با شبکه های افغان، در نظر گرفته شود. با در نظر گرفتن قوانین نوشته نشده اجتماعی که اقتصاد افغانستان را شکل میدهد، عدم تطابق با آنها احتمالاً یک گزینه نیست. علاوه بر این، این قوانین در سطوح مختلف نقش بازی مینمایند: به هر پیمانیه ای که پهنای قدرت بیشتر باشد، به همان پیمانیه کارگزاران از ارتباطات فامیلی و نژادی خویش جدا میباشند.



داشته باشند و هنوز هم منافع شخصی خود و خویشاوندان شان را به پیش ببرند. بنابر این، تعامل با چنین نظم ازهم ریخته و کارگزاران انفرادی که قدرت و منابع را تقسیم مینمایند یک امر الزامیست که نهاد های انکشافی مجبور اند آن را در نظر گیرند. چنین تغییری در فرهنگ سازمانی نهادهای انکشافی امکان دارد که پیامدهای بزرگی داشته باشد. ما این چالش های تخنیکی، سیاسی و اخلاقی را در دو بخش بعدی بررسی خواهیم کرد، در حالیکه چالش سوم نیاز به معرفی یکعده اصلاحات در دوران حیات برنامه ها دارد که برای آغاز تعامل با محیط افغانستان تحت شرایط مختلف ضروریست.

چالش های کلیدی

۱. نهاد های انکشافی باید با کارگزاران شخصی و نهاد ها تعامل نمایند

یافته هایی که در فوق تشریح شدند اکیداً تقاضا می نماید که کارگزاران بین المللی انکشاف باید با کارگزاران شخصی و نهاد ها تعامل نمایند تا بتوانند انکشاف اقتصادی ای را به عهده بگیرند که معمولاً کامیاب تلقی شده باشند. به هر صورت، این امر به دلایل متفاوت چالش را نیز میبازد. از دیدگاه تخنیکی، کار کردن با یک سیستم شبکه چند جانبه، نهادها را ملزم میسازد تا گفتگویی را روی وفق دادن روش های عملی آغاز نمایند. این امر شامل پرسش های قانونی مانند تأمین حقوق تحت قوانین بین

این مثال حاکمیت بر بازار اقتصاد را نشان میدهد که یک ارتباط حسابدی میان شهروندان و دولت در افغانستان به کار برده نمیشود. به هرصورت، نهاد های بین المللی بدون تفکر، از طریق تعقیب یک چارچوب خوب شناخته شده به نهاد سازی پرداخته اند که تصور میکنند از طریق ایجاد «یک مدل وایبری»، دیموکراسی و انکشاف به وقوع میببوند.^۸ تا حال، در یک محیط خطرناک در حالیکه سطح اعتماد عمومی پائین باشد، اعتماد شخصی بر دیگران بخاطر پیشبرد زندگی اقتصادی حیاتی است و وجوه مالی و منابع به طرف منافع شخصی کشانیده میشود. بنابر این، پس نقش نهادها به غیر از پیشکش نمودن یک وسیله برای رسیدن به اهداف شخصی، چی میباشد؟ ما میدانیم دولتی که توسط کمک های بین المللی شکل گرفته همین نوع محیط اقتصادی ای را حمایت میکند. جائیکه عوامل سیاسی ای که سد راه رشد و توسعه اند در جای خود وجود دارند: چپاولگری، رفتار اجاره یابی و سرمایه گذاری اندک در کالا های عامه. (ویلیم ۲۰۰۹).

در حالیکه بودجه افغانستان هنوز هم بطور سنگین بر وجوه مالی امدادی که در حال کم شدن است، استوار است، نهاد های تمویل کننده نیاز به تغییر دیدگاه ها و اقدامات برنامه ای شان دارند. اولین قدم در این راستا امکان دارد این باشد که با افغانستان و نظم سیاسی چند گانه آن کار کرد، (بوج ۲۰۰۸). طوریکه در بسیاری از دولت های به اصطلاح ناکام، دولت در افغانستان مانند سایر کارگزاران فقط یک کارگزار است که با هم مشترکاتی دارند، مانند مشروعیت و صلاحیت ها. بزرگان قومی، جنگ سالاران و مقامات مذهبی امکان دارد که همه شان مقام های رسمی

۹ در این جا ما به «کارگزاران شخصی» و «نهاد های شخصی» به مثابه نهاد های جمعی اشاره میکنیم که منافع شخصی را تأمین میکنند نه منافع جمعی را. در یک محیطی که سطح اعتماد عمومی پائین است، ارتباطات شخصی برای مدیریت سیاست ها و اقتصاد یک امر ضروریست (فوکویاما ۱۹۹۵؛ روچا مینوکال ایت ال. ۲۰۰۸).

۸ منظور از «مدل وایبری» نمونه دیموکراسی ای است که ماکس وایبر آن را مطرح ساخته است.

۲. کار سیاسی: یک بن بست اخلاقی برای نهاد های انکشافی

این تصمیم برای کارگزاران انکشاف که کار سیاسی کنند به دلایل گوناگون چالش زا است. زیرا در انکشاف اقتصادی رویکردهای اندکی وجود دارند که تعامل سیاسی را در طرح ابتدایی مورد ملاحظه قرار میدهند.^{۱۰} علاوه بر این، ما تجربه اندکی در رابطه به قوت و ضعف این رویکردها داریم. بنابر این، ما سرمایه گذاری را در آن شیوه های انکشاف اقتصادی سفارش میکنیم که بیشتر ماهیت سیاسی دارند. استفاده از رویکرد " اندیشهء سیاسی و کار سیاسی" در برنامه ریزی انکشاف اقتصادی ممکن یک گام مثمر اولی در این رابطه باشد.

روشن است که ایجاد رویکردهای جدید مستلزم آزمایشات در ساحه بوده و باید مشتمل بر نظارت و ارزیابی جدی برای مقاصد آموزشی باشند. چالش مهم دیگر سراغ نمودن آن عده کارمندان میباشد که دارای مهارتهای کافی اند و می توانند هردو مورد یعنی تخصص تخنیکی که برای مداخلات انکشاف اقتصادی ضروریست و ظرفیت های دیپلوماتیک که برای انجام کارها به یک شیوه زیرکانه سیاسی لازم است، را با هم یکجا سازند. یک راه حل ممکن این باشد که به کارشناسان انکشاف در "سیاسی فکر کردن و سیاسی کار کردن" آموزش داده شود، ولی سفارش ما اینست که روی ترکیب کارمندان برنامه تجدید نظر صورت بگیرد و کارشناسان اقتصادی و کارشناسان سیاسی در یک تیم گنجانیده شوند.^{۱۱}

بالاخره، علاوه بر هر نوع مشکلات تخنیکی، کار کردن با شبکه های شخصی یک بن بست اخلاقی را باز تاب میدهد. قدرتمندان یعنی کسانی که با آنان تعامل صورت خواهد گرفت مشهور به کارگزاران خشن خواهند بود که در زمان رژیم طالبان و یا بعد از آن نقش مشکوکی را بازی نموده باشند و یا مشهور به داشتن دوسیه های فساد خواهند بود. کار کردن با چنین قدرتمندان ممکن شهرت کارگزاران انکشافی را با خطر مواجه سازد، هم در افغانستان و هم در کشور های خود شان. نهاد های تمویل کننده اکثراً ادعا میکنند که کارگزاران صادق میباشد زیرا با " دولت مشروع" شراکت میکنند که دستورالعمل اهداف غیر قابل تقسیم انکشاف پایدار دارند، نه اینکه با ساختارهای مشتری گرا معامله نمایند. استراتژیهای کاهش خطر و مفاهیم ضرر نرساندن مرتبط با اقدامات انکشافی اکثراً روی این گونه شناسایی از مفهوم بیطرفی استوار میباشد. تعامل با شبکه های شخصی نقش کارگزاران انکشافی را تغییر میدهد و آنان را در این بازی بیشتر بازیگران سیاسی قلمداد میکند. درعین حال، این امر باعث تحمیل قیمت های گزاف سیاسی بر تصمیم گیرندگان در داخل کشور های خود شان خواهد گردید. مخالفین سیاسی و آگاهی دهندگان از معیار های جامعه مدنی در کشورهای تمویل کننده بطور یقینی کارگزاران انکشافی را به این طرف خواهند کشاند تا همکاری با ساختارهای را که دارای سابقه سوال بر انگیز اند، مورد پرسش قرار دهند.

المللی و خطرات امانتی (ضمانتی) مانند مسائل مربوط به تدارکات میگردد. تجربه نشان میدهد که جنبه های قانونی و مسائل تدارکاتی مشکل می باشند. تمویل کنندگان و نهاد های تطبیق کننده تقریباً همیشه نهاد های عامه ای اند که با پول های مالییه دهندگان سروکار دارند و به دلایل خوب، وابسته به معیارهای ملی و بین المللی شان هستند. ما تاکید بر تقاضای نادیده گرفتن چنین قوانین و مقررات را نمی کنیم ولی یک بررسی صحیح از آنچه که ممکن است و از آنچه که تحت نظام قانونی فعلی موجود نیست را تشویق مینمائیم. این کار ما را قادر میسازد تا تصمیم بگیریم که آیا کار کردن با کارگزاران غیر دولتی در واقع ممکن است؟

چالش مهم دیگر کشف این رمز است که کی ها در واقع در چشم انداز اجتماعی و اقتصادی افغانستان مشروعیت و صلاحیت دارند. در بخش قبلی، ادعا کردیم که نهادهای انکشافی فاقد مهارت، ظرفیت و ابزار تحلیلی است تا جهات اجتماعی و عوامل هویت را که دسترسی به فرصت های بازار در افغانستان را تعیین میکنند، شناسایی کنند. این کوتاهی های تحلیلی در آن زمان نیز که موضوع شناخت آنانیکه در سیستم اجتماعی- اقتصادی فراتر از نهاد هاییکه رسماً مسئولیت این کار را دارند، نفوذ مینمایند، به مطرح میگردد. به همین ترتیب، ابزار بررسی معیاری در انکشاف اقتصادی هنگام مطرح گردیدن شناسایی نقش ها و برنامه های این کارگزاران، دارای " نقاط سیاه" اند. بنابر این، ما اکیداً تقاضا مینمائیم که نهادهای اجتماعی باید بسته ای از ابزار تحلیلی خود را توسعه دهند تا بدین ترتیب ساختارهای قدرت و سیاست ها را که اقتصاد افغانستان را شکل میدهند، شناسایی کنند.

اینجا ضرورت به بحث روی این امر است که تعامل با کارگزاران و نهادهای شخصی از لحاظ تطبیق تخنیکی به چه معناست. در حالیکه به وضوح امکان دارد که ما نیاز به دید فراتر از ابزار معیاری انکشاف اقتصادی داشته باشیم، گزینه های بدیل در وهله اول الزاماً روشن نیست. ما تقاضا مینمائیم تا پاسخ ها را از اهداف کلی برنامه ریزی انکشافی استخراج نمائیم. با مراجعه به اهداف انکشاف پایدار ۸ (SDG)، ما فرض میکنیم که هدف برنامه های انکشاف اقتصادی عموماً رشد حمایت همه جانبه و رشد پایدار اقتصادی، اشتغال سودمند و فراهم آوری کارهای مطلوب برای همه است.

طوریکه قبلاً بحث صورت گرفت، تحقیقات اخیر روشن میسازد که این اهداف تنها از طریق بهتر سازی اشتغال یا انجام دادن شاخص های کاروبار، میتواند بدست آید. برای بهتر ساختن دسترسی به فرصتهای اقتصادی برای همه، یا حد اقل برای بیشتر مردم، باید محدودیت های سیاسی و قدرت را که محیط اجتماعی- اقتصادی افغانستان را تنظیم نموده و آن را میسازند، نیز مورد ملاحظه قرار داد. از جاییکه این محدودیت ها اولاً و عمدتاً ماهیت سیاسی دارند، نتیجه منطقی اینست که برنامه ریزی های انکشاف اقتصادی باید بیشتر رویکرد های را روی دست گیرند که با سیاست مرتبط باشند.

۱۰ طرح «انجام دادن انکشاف بگونه متفاوت» را که در بخش اول نقل گردیده ببینید. یک رویکرد مشهور دیگر «بازار را طوری ساختن تا برای مردم فقیر کار کند»

۱۱ ما این رویکرد را در کدام محل دیگر برای بررسی مناسب منازعه بالقوه و استراتژیهای " بدون هیچگونه آسیب پذیری" پیشنهاد کرده ایم.

۳. نهاد های انکشافی باید طرح های طولانی مدت داشته باشند ولی تغییرات را بپذیرند

چند بُعد وجود دارد که باید هنگام تمرکز روی بهبود اقتصاد و انکشاف در افغانستان مورد توجه قرار گیرند. اینجا ضرورت به این است که باید در رابطه به نتایج متوقعه بسیار محتاط بوده و در تحلیل مرحله آغازین بسیار مستدل بود. نیاز به تحلیل قوی وجود دارد، جائیکه قوم شناسی نقش نیرومندی را بازی میکند، ولی آیا دوران حیات برنامه ها میتواند مطابق وضع بسیار ناپایدار^{۱۲} پیش برود؟ آیا ما این کار را هنگام برنامه ریزی های طولانی مدت انجام داده میتوانیم؟ آیا ما میتوانیم با کارگزاران واقعی اقتصادی و پروسه های سیاسی تعامل نمائیم، و آیا ما میتوانیم که به خود اجازه دهیم تا با درهم و برهمی و اضطراب پروسه های سیاسی حیات اقتصادی کار کنیم؟

ما فکر میکنیم یکدهه از این چالش هائیکه در پرسش های قبلی انعکاس یافته است، هنگامی حل میگردد که سازمان ها آغاز به تجربه آنچه نمایند که بیرون از مسیری است که ایشان با آن خوب آشنایی دارند. یک پیشنهاد این است که با بسیار انعطاف پذیری در پهلوی فعالیت، عمل کرد، و در عین حال اهداف طولانی مدت را باید حفظ نمود. در حال حاضر، بسیاری از برنامه ها به اساس چارچوب های منطقی یا الگوهای های نتایج مقایسوی طرح میگردد. بطور پیش فرض، اهداف برنامه ها و فعالیت ها در زمان آغاز برنامه ها تعیین و ترتیب میگردد. به اساس تئوری های تغییر که رویکردهای مربوط به انکشاف را اساس قرار میدهند، فعالیت ها به این امید استنباط میشوند که آنان بالاخره منجر به بدست آوردن اهداف گردند. در حالیکه این شیوه کار جذاب به نظر میرسد (و برای برنامه ریزی بودجه مفید است)، ولی این روش واقعیت ها را در جوامع بی ثبات (بعد از جنگ) در نظر نمیگیرد. ما در بالا تشریح کردیم که رویکردهای عام در انکشاف اقتصادی اکثرا در این مورد ناکام اند، مگر اینکه قوانینی را در نظر گیرند که دسترسی به بازارها در افغانستان را تعیین کنند. به هرصورت، حتی مدنظر گرفتن کافی این عوامل امکان دارد به سبب مشخص نمودن بسیار دقیق فعالیت ها در هر مرحله ای از برنامه ریزی، مناسب نباشد. محیط اجتماعی- اقتصادی افغانستان به سرعت در حال تغییر است و این استراتژی نمی تواند موفق باشد.

فعالیت های برنامه که توسط اهداف طولانی مدت رهنمایی گردیده، بطور دلخواه با یک محیط همیشه در حال تغییر روی یک اساس ثابت تطابق خواهد کرد. نظارت و ارزیابی باید نقش بسیار مهمتر را در این رابطه بازی کند. نظر انداختن فراتر از مصارف برنامه و اینکه اجرای آن چگونه صورت میگردد، به نظارت و ارزیابی نیاز دارد تا به یک وسیله مناسب جهت اداره و آموزش برنامه مبدل گردد. سهم گیری فعالیت ها برای دست یافتن به اهداف کلی برنامه باید بطور متداوم تابع نظارت و ارزیابی باشد. این امر به تطابق سریع مداخلات

اینکه با شبکه های شخصی تعامل صورت گیرد یا خیر، یک موضوع پر درد سر است که تمویل کنندگان باید آن را تحت ملاحظه قرار دهند. این تصمیم که عملکرد محتاطانه متوقف گردد و در محیط های پر مناقزه سیاسی عمل شود ممکن منجر به «آلودگی به فساد» گردد و صداقت پذیرفته شده تمویل کنندگان را در محیط عامه تهدید نماید. به عین شکل، طوریکه "سلیم" می نگارد، در شرایط جنگهای طولانی "امدادگران" به آسانی خود را در مقابل آنچه شر پنداشته می شود می یابند. در چنین وضعیت فرق نمیکند که خطر به کدام پیمانان است، چنانچه میگویند، آنها بزودی مسیر پرمخاطره و جنجالی ای را اختیار خواهند نمود و سازش اخلاقی را متقبل خواهند شد. (سلیم ۱۹۹۷:۲۴۵).

پرسش ذیل متوجه نهادهای انکشافی است، چه کسی قبول خواهد کرد که با شبکه های شخصی تعامل نماید و چگونه با نخبگان تعامل صورت بگیرد. چگونه ما میتوانیم نخبگان درست را به امید تأثیرات اقتصادی ناشی از شبکه های آنان انتخاب کنیم تا شمار زیاد مردم بتوانند از کار های انکشافی بهره مند گردند؟ شواهد از ساحه مکررا نشان میدهد که در یک نظم سیاسی چند جانبه شخصی، کارگزاران چندین نقش دارند. طوریکه "پین" در یک مطالعه اش در مورد محیط قریه در افغانستان تشریح کرده است، نهاد های قریه عین ساختار چند قشری را که ما در بازارها مشاهده میکنیم، ارائه مینمایند.

اعضای مقامات گمرکات به گونه ساده اعضای شورای انکشافی دهات تحت برنامه همبستگی ملی گردیده اند و این عمل چیزی را ایجاد نمود که "پین" آنرا پروسه نهادینه ساختن از مواد گوناگون نام نهاده است (پین ۲۰۱۶). بار دیگر، نخبگان قریه میتوانند یک روش انکشافی ای را ترویج کنند و دسترسی به کالاهای عامه مانند تعلیم و تربیه را فراهم سازند. از جانب دیگر، اینها میتوانند که بسیار منفعت گرا باشند (بطور مثال در بخش کار و شغل روستایی).

تا حال این روشن است که چنین یک سیستم تحریم ها که اطاعت قدرتمندان از معیارها و مقررات قانونی را در افغانستان ممکن سازد، وجود ندارد. بازم یک پرسش باقی میماند و آن این است که آیا نهاد های بین الملل حاضر اند تا با چنین یک رژیم چند جانبه تعامل نمایند؟

در صورتیکه نهاد های انکشافی آماده باشند که با نخبگان و کارگزاران موجود در رابطه به پالیسی ها و برنامه هایشان تعامل نمایند، پس سرمایه گذاری روی ابزارهای جدید تحلیلی برای کاوش تغییرات صورت گیرد و از این طریق رفتار نخبگان پیشبینی گردد و در نتیجه معلوم شود که باید چگونه همراهِ آنان در پروسه مذاکرات داخل شد.

۱۲ جکسن و مینویا را ببینید (۲۰۱۶): "بی ثباتی" خودش بخشی از "قوانین بازی است". طوریکه پیش بینی کردن آینده بسیار پر خطر است، کارگزاران یک برنامه کوتاه مدت را بخاطر اینکه در معرض قرار گرفتن خطر را محدود سازند روی دست میگیرند. بی ثباتی یک خصوصیت ساختاری است که کمک مینماید توضیح گردد که چرا این سیستم برای سالیان متمادی با وجود اینکه ائتلاف ها هفته به هفته تغییر میکنند، به عین شکل فعالیت مینماید.

مهم است تا در شناخت آنچه قواعد "واقعی" بازی هستند سرمایه گذاری کرد. این امر نیازمند افزایش ظرفیت ها و ابزار تحلیلی میباشد تا موانع به فرصت های اقتصادی را فراتر از معیار کاروبار یا محدودیت های تخنیک شناسایی کنیم. اینجا تمرکز ویژه باید روی جهات هويت، مقررات اجتماعی و قدرت شبکه ها و نهاد های شخصی صورت گیرد. طوریکه تجربه افغانستان نشان میدهد، اقتصاد توزیعی از طریق نهادهائیکه منافع شخصی را در یک رژیم چند جانبه بدوش میکشند، جائیکه کارگزاران دولتی قدرت، مشروعیت و ظرفیت را با کارگزاران غیر دولتی مانند قبایل و ملیشه ها شریک میسازند، فعالیت مینماید.

موجودیت نهادهای ضعیف رسمی منجر به این شده که اقتصاد در ساحات محدود دولتی بیشتر مایل به این باشد که توسط اشکال چند جانبه حکومتداری و مقررات اجتماعی غیر رسمی شکل بگیرد. ما تقاضای تعامل نزدیک میان تحقیقات و بخش عملی را مینمائیم تا این کار رمز هردو یعنی قدرت و سیاست و قوانین و مقررات را که شکل دهنده اقتصاد و تابع مداخلات انکشافی اند، را کشف نماید. تحقیقات باید زمینه شناخت مقررات و میکانیسم های اجتماعی را که سازنده اقتصاد منحصی یک اساس برای بحث مشترک روی تئوری های ممکنه تغییر که مستلزم انکشاف اقتصادی میباشد، فراهم سازد.

از اینجا، طرح کنندگان برنامه باید نتایج این بحث را در کارهای واقعی انکشاف پیاده نمایند. برای اینکه زمینه تبادل نظر عمیق میان محققان و مجریان را، که بسیار ضروریست، تأمین نموده باشیم، ما تقاضای می نمایم که یک طرح متشکل از چندین سهامدار که بطور مکرر از آنها استفاده می شود، ایجاد گردد. این طرح ها باید فراتر از کنفرانس ها و ورکشاپ های موجود پیش روند. فعلاً تعامل میان محققان و مجریان شکل محافل معلوماتی مشترک را دارد، ولی این تعامل باید راه حل های مشترک را بر اساس بینش اجتماعی - اقتصادی که توسط دانشگاهیان فراهم شده و محدودیت های عملی که تمویل کنندگان و نهادهای تطبیق کننده با آن مواجه اند، بسازد. این کار میتواند شکل نیروی کاری یا گروه های کاری را بخود بگیرد و شامل شرکاء از حیثه سیاسی، سازمان های بین المللی، نهادهای تمویل کننده و دانشگاهی باشد.

پیامدها برای پالیسی:

رویکرد های انکشاف اقتصاد معیاری را با ابزار های تکمیل نمائید که موانع اجتماعی فراروی فرصت های اقتصادی را مورد ملاحظه قرار داده و آنها را در ساحه عمل آزمایش نمایند:

ما به اساس تلاش بخاطر شناخت بهتر قواعد بازی در محیط های متفاوت پیشنهاد می نمایم که همکاری میان تحقیقات و بخش عملی باید صورت بگیرد تا این همکاری دو جانبه بتواند اجزاء و ابزاری را جهت انکشاف اقتصادی ایجاد و محدودیت های ریشه دار در مقررات اجتماعی و غیررسمی را مورد رسیدگی قرار دهد. بنابر ماهیت این محدودیت ها، باید تمرکز روی انکشاف رویکردهای آشنا با سیاست نیز صورت گیرد، البته به این هدف تا ابزار انکشاف اقتصاد معیاری (بطور مثال، آموزش در مورد آوردن اصلاحات در انجام کاروبار) از طریق گزینه های بیشتر عملی توسعه یابد. علی الرغم این، رویکرد های جدید نیز باید محدود نباشد و باید توسط تجارب آموزشی

در صورت تغییر محیط اجازه میدهد (بویژه منافع در حال تغییر سریع و ازهم ریخته شبکه های شخصی). علاوه بر این، فعالیت های نظارت و ارزیابی باید با تحلیل عمیق و خوب طرح شده در هر مرحله برنامه های انکشافی تکمیل گردد. این امر بهبودی ظرفیت های آموزشی را به میان میآورد تا بدین ترتیب خلاء میان رویکرد های موجود انکشاف اقتصادی و واقعیت های اقتصاد افغانستان را از بین ببرد. ما کاملاً آگاه هستیم که بیشتر برنامه ریزی انعطاف پذیر، در مرحله عملیاتی برنامه با چالش های تخنیک بیشتر مواجه میگردد. مسائل لوجستیکی امکان دارد که انعطاف پذیری را محدود سازد. سوالات بزرگتر شاید مربوط به برنامه ریزی بودجه، تدارکات و سایر ابعاد قانونی باشد. این مسائل رابطه نزدیک با حسابداری حکومت های تمویل کننده به موکلین شان دارد (بطور مثال مالیه دهندگان). ما گفتگو های جدی را در رابطه به اینکه این خطرات را کاهش دهیم تشویق مینمائیم. یک رویکرد امیدوار کننده این خواهد بود که در قسمت ارتباطات میان همه شرکاء در کشور های تمویل کننده (بطور مثال در میان پارلمان، جامعه مدنی و مطبوعات) سرمایه گذاری صورت گیرد. این باید کاملاً روشن باشد که بدون برنامه ریزی انعطاف پذیر به سطح فعالیت ها، کار های انکشافی در شرایط از هم پاشیده اجتماعی- اقتصادی افغانستان نمیتوانند موفق باشند.

پیامدها برای پالیسی: درس هایی از افغانستان برای انکشاف اقتصادی در محیط منازعه دوامدار

یک پرسش عمده در این جا اینست که پالیسی و برنامه ریزی برای انکشاف اقتصادی چگونه از تحقیقات در یک محیط پر خطر مزمن، جنگ و رژیم های چند گانه بهره میگیرد.

شناخت اقتصاد اجتماعی افغانستان و ماهیت توزیعی آن به تمویل کنندگان غربی کمک کرده است تا در رابطه به رویکرد شان در مورد پایداری رشد در این کشور دوباره فکر کنند. طی پانزده سال گذشته، کارگزاران بین المللی احتمالاً، "بانجام کار خوب ضرر وارد نموده اند" یعنی آنان اکثر رفتار کرایه خواهی شبکه های افغانستان و کارگزاران قدرتمند آن را تغذیه کرده اند. بنابر این، ابزار جدید پالیسی و برنامه ریزی باید به ما کمک نماید تا کارگزاران رسمی و غیر رسمی ای را که به بازار های امروزی افغانستان شکل داده شناسایی کرد و دانست که این بازارها بعد از سالها جنگ و وابستگی به کمک ها و ظرفیت پائین دولت، چگونه فعالیت مینمایند.

به هرصورت، ما میتوانیم چند نقطه کلیدی ای را از درس هایی که در افغانستان آموخته ایم و نمایندگان بین المللی انکشاف باید هنگام انجام انکشاف اقتصادی در محیط هائیکه با منازعات دوامدار مواجه اند، در نظر گیرند، خلاصه کنیم. اینها باید کار مشترک محققان و مجریان را رهبری نمایند.

پیامدها برای پالیسی:

در ابتدا همدست شوید، در شناخت قواعد بازی سرمایه گذاری نمائید و آنها را در روند برنامه ریزی پیاده کنید:

۱۲ در این رابطه، جی آی زید در این اواخر یک پروسه را آغاز کرده است تا روی امکانات آموزش نهادهای از انکشاف اقتصادی برای برنامه ریزی ثبات، بحث و گفتگو صورت گیرد.

متداوم حمایت گردند. این امر نیاز به آزمایش پروسه های ساحوی برنامه از طریق تجربه در داخل تیم هائیکه با مقررات و سوابق مختلف کار مینمایند، دارد تا بدین ترتیب معیار های معمول سازمانها در هم شکسته و در بیرون ساحه مصنون رهنمودها نقش بازی کنند. بطور دلخواه، این امر راه را برای تصمیم گیرندگان هموار مینماید تا برای برنامه ریزی آینده برنامه سازند، محل مناسب تجربه کردن را در بیرون از طریقه معمول ایجاد کرده و اهداف طولانی مدت برای انکشاف اقتصادی را تعیین نمایند، ولی با اتکاء بر فعالیت های انعطاف پذیر در کوتاه مدت و ابراز نظر در مورد تحلیل متداوم و خوب طرح شده در هر مرحله برنامه. چنین پروسه ها، در گذر زمان، باعث ایجاد بهترین تمرین ها در سطح بزرگ میگردد که میشود توسط سازمانهای انکشافی تطبیق گردد تا با دانش متنی کار نمایند، نسبت به اینکه رهنمودها را از یک صحنه به صحنه دیگر کاپی کنند.

پیامدها برای پالیسی:

تعامل با نهادها بخاطر آنچه که آنان انجام میدهند نه بخاطر آنچه که آنان با آن شباهت دارند:

درس بسیار مهمی که ما میتوانیم از افغانستان بدست آوریم اینست که برای انکشاف موفق نیاز به تعامل با شبکه ها و کارگزاران شخصی است. ما فقط آنگاه با قواعد بازی آشنا خواهیم شد که تمویل کنندگان تصمیم گیرند که نظم های چند جانبه سیاسی را که مخصوص اوضاع شکننده است بپذیرند و بیشتر با کارگزاران غیر دولتی که در مشروعیت و صلاحیت ها با هم شریک اند تعامل نمایند. در نتیجه، این امر به رویکردهای جدید فرصت را مساعد خواهد کرد که انکشاف اقتصادی موفق ظهور نماید.

اتخاذ تصمیم در مورد تعامل با سیستم هایی چون شبکه ها و منافع شخصی برای عامل انکشاف مشکل است، البته با در نظر داشت پیامدهای مهم چنین یک انتخاب برای هویت، ساختار، فرهنگ و اعضای سازمان. پیامدها تنها تخنیک و استراتژیک نیستند. تغییر در کار های روزمره بیوروکراتیک نیازمند بدست آوردن چارچوب های قابل تطابق برنامه یی و تحلیلی میباشد. چنین یک تغییر دیدگاه شیوه برنامه ریزی را مطابق بهترین روش های تصدیق شده به چالش خواهد کشید البته جائیکه مشوقات برای آنانیکه به خطرات بی میل اند و تصمیم به سازگاری دارند بسیار عام است. علاوه بر این، تعامل با نظم های سیاسی غیر دولتی شامل مسائل قانونی مانند پروسه های تدارکاتی، مهارتهای تحلیلی برای افراد مسلکی و یک رویکرد بیشتر سیاسی به انکشاف میگردد.

تعامل با شبکه های شخصی نخبگان محلی منعکس کننده تغییر کار "بیطرفانه" با دولت "مشروع" میباشد و ممکن این کار برای تمویل کنندگان به یک بن بست اخلاقی و یک خطر سیاسی مبدل گردد. این چالش در صورت موجودیت ابزاری که بواسطه آن نخبگان مناسب انتخاب شوند باقی می ماند، مانند کسانی که بیشتر با انکشاف آشنا بوده و تضمین مینمایند که فقراء از مزایای اقتصادی و وجوه مالی امدادی بهره مند خواهند گردید. برای این مقصد، نیاز است تامحققان و مجریان به صورت مشترک اصول و روش های را آماده سازند، کنگوریهای تحلیلی را آزمایش کنند و از متغیر های مختلف استفاده نمایند تا به آنها در قسمت شناخت رفتار نخبگان و پاسخ به آن کمک نماید.

مراجع:

از کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون. لندن، کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون.

مالیت، ار، و منصورولی، دی. و موریس، (۲۰۱۷)، دوباره فکر کردن روی دولت سازی، شکننده گی و منازعه. گزارش. دوشنبه اول اکتوبر - ۲ نوامبر. لندن: ویلتون پارک.

مینویا، جی. و پین، ای. (۲۰۱۷) شناخت بازار های روستایی در افغانستان. مقاله کاری ۵۸. لندن: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون.

مینویا، جی و پین، ای (۲۰۱۶)، زعفران: ارتباطات اجتماعی ای تولید. مقاله کاری ۴۸. لندن: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون.

مینویا، جی. و پین، ای (۲۰۱۵) « ۹۰ فیصد واقعی»: ظهور و سقوط یک اقتصاد کرایه: داستان ها از قندهار، افغانستان. مقاله کاری ۳۸. لندن و کابل: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان.

مینویا، جی، ممتاز، دلبلیو و پین، ای. (۲۰۱۴) « زنده گی اجتماعی پیاز: مقررات غیر رسمی بازار پیاز در ننگرهار، افغانستان. مقاله کاری ۲۶. لندن: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون.

پین، ای. و مالیت، ار. (۲۰۱۴) جنسیت، جوانان و سهم گیری بازار کار شهری: شواهدی از سکتور خیاطی در کابل، افغانستان. مقاله کاری ۱۸. لندن: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون.

پین، ای. (۲۰۱۶) استفاده از تحلیل محیط قریه در افغانستان: پیامد های وسیع و روش ها. مقاله کاری. لندن: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون.

پریجیت، ال. و ولکوک، ام. (۲۰۰۲) راه حل ها هنگامیکه راه حل خودش مشکل باشد: منظم کردن بی نظمی ها در انکشاف. مقاله کاری ۱۰. واشنگتن دی سی. ایالات متحده: مرکز انکشاف جهانی.

روچا مینوکار، ای. فریتز، وی. و رکنر، ال. (۲۰۰۸) رژیم های چند جانبه و چالش ها برای عمیق کردن و پایدار کردن دموکراسی در کشور های در حال انکشاف، جورنال افریقای جنوبی در امور بین المللی، ۱۵ (۱)، ۲۹-۴۰.

سچرید، یو. سیبیل، بی، وینریچ، سی. و ریچنچ، اس. (۲۰۱۷). آیا کدام قضیه در رابطه به مداخلات انکشافی در سکتور خصوصی در محیط های باز و نا آرامی های متداوم وجود دارد؟ بون و ایچبورن: جی آی زید.

سلیم، ایچ. (۱۹۹۷) 'انجام دادن کار خوب: نهاد های خیریه، مسؤلیت اخلاقی در جنگ و سیاست اضطراری'، فاجعه ها، ۲۱ (۳)، ۲۴۴ - ۲۵۷

ویلیمس، جی.، دونکن، ای.، لندیل - ملز، پی. و انسورت، اس. (۲۰۰۹) 'سیاست ها و رشد'، بازنگری پالیسی انکشافی، ۲۹ (اس ۱)، اس ۲۹ - اس ۵۵.

بانک جهانی. (۲۰۱۴) افغانستان - بازنگری سکتور زراعتی: رونق دادن زراعت برای توسعه اقتصادی، ایجاد شغل و مصونیت غذایی. واشنگتن، دی. سی. ایالات متحده: بانک جهانی.

اندربوس، ام.، پریٹ چیت، ال. و ولکوک، ام. (۲۰۱۲) "فرار از دام های قابلیت از طریق انطباق تکرار شونده - مسئله محور. مقاله کاری ۲۴۰، هاروارد، کمبریج، ام ای، ایالات متحده آمریکا: مرکز انکشاف بین المللی.

بوج، وی.، برون، ای.، سمینتس، کی. و نولان، ای. (۲۰۰۸) " در رابطه به نظم های سیاسی و دولت های در حال ظهور: تشکیل دولت در محیط شکننده. برلین، جرمنی: مرکز تحقیقاتی برای مدیریت سازنده منازعه.

دلوال، ای. (۲۰۱۵) سیاست های واقعی شاخ افریقا. پول، جنگ و کاروبار قدرت. کمبریج، نشرات پولیتی.

فوکویاما، اف. (۱۹۹۵) اعتماد: فضایل اجتماعی و ایجاد سعادت. نیویارک: نشرات آزاد.

غیائی، ار.، ژو، جی. و هالگرین، ایچ. (۲۰۱۵) "سکتور خصوصی افغانستان: اوضاع و راه های پیشرو". استهکولم: انستیتیوت بین المللی صلح استهکولم.

گودهند، جی. (۲۰۱۵) "سرحدات و جنگ ها: اقتصاد تریاک در افغانستان. جورنال تغییر زراعتی، ۵ (۵)، ۱۹۱ - ۲۱۶.

گرین، دی. (۲۰۱۶) انجام دادن کار های مشکل محور، رهنمود بزرگ برای اصلاح کنندگان و فعالین حکومتداری. انجام انکشاف به شیوه های مختلف. در آدرس ذیل قابل دسترس است:

<http://www.doingdevelopmentdifferently.com/doing-problem-driven-work-great-newguide-for-governance-reformers-andactivists>

هالوارد، دریمیر، ام، خون- جوش، جی. و پریٹ چیت، ال. (۲۰۱۰) معامله با قوانین فرق میکند. تطبیق پالیسی، بی ثباتی و چرا نهاد ها از آن تنفر دارد. مقاله کاری. کمبریج: بیروی ملی تحقیقات اقتصادی.

جکسن، ای. و مینویا، جی. (۲۰۱۶) قوانین بازی: به جانب یک تیوری ای شبکه های دسترسی. مقاله مختصر ۱۹.

لندن: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون.

جکسن، ای. (۲۰۱۶) مانند دولت شبکه به نظر میرسد: حکومتداری محلی در افغانستان. گزارش ۱۲.

لندن: کنسرسیوم تحقیقاتی معیشت مصئون.

لابراتوار آموزش. (۲۰۱۸)، مدیریت تطابقی چیست؟ لابراتوار آموزشی یو اس اید. درین آدرس قابل دسترسی است:

<https://usaidlearninglab.org/labnotes/what-2018-adaptivemanagement>. April 6 Accessed .

مالیت، ار و پین، ای (۲۰۱۷)، بازار ها، منازعه و بهبودی: یافته های

پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می‌خواهد تا از پیشنهادات شما به عنوان استفاده کنندگان منابع تحقیقاتی این نهاد مستفید شود. شما چه خواننده دایمی انتشارات ما باشید، چه در یکی از ورکشاپ‌ها یا سخنرانی‌های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و یا جدیداً با این سازمان آشنا شده باشید. نظریات و پیشنهادات شما برای ما ارزشمند است. نظریات شما برای ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین وجه تعقیب نموده و یافته‌های کاری خود را به شکل بهتر با خوانندگان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. سهل‌ترین راه برای ارائه پیشنهادات شما استفاده از این ایمیل آدرس areu@areu.org.af میباشد.

شما نیز می‌توانید هر نظری که دارید از طریق شماره ۷۹۹۶۰۸۵۴۸ (+۹۳) در میان بگذارید. اما بعضی اطلاعات که عمدتاً برای ما سودمند خواهند بود عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می‌کنید. (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات و غیره)؟
- به چه منظور از تحقیقات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می‌کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را بدست می‌آورید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده میکنید یا نسخه چاپی؟
- چگونه انتشارات میتوانند اطلاعات را به شکل بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما در مورد روند تحقیقاتی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد‌های مورد علاقه شما در واحد تحقیق ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کارهای را بهتر میتوانیم انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است؟
- عرصه علاقمندی، اشتغال، مطالعه و موقعیت تان؟

لیست نشریات اخیر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

تمام نشریات در وب سایت www.areu.org.af قابل دسترسی اند و اکثر آنها به صورت نسخه چاپی رایگان در دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موجود میباشند.

| تاریخ | نام نشریه | نویسنده | موجود به زبان دری | موجود به زبان پشتو | موضوع تحقیق | نوع نشریه |
|------------|--|---------------------------------------|-------------------|--------------------|--------------------------|------------------|
| می ۲۰۱۸ | آب هرچه عمیق تر، آرام تر: کوکنار نا مشروع و تحول دشت های جنوب غرب افغانستان | دیوید منسفیلد | ✓ | ✓ | مدیریت منابع طبیعی | مقاله تحلیلی |
| می ۲۰۱۸ | ارزیابی ای از موثریت EUPOL در اصلاحات پولیس افغانستان (۲۰۱۶-۲۰۰۷) | قیوم سروش | | | حمایت اجتماعی | مقاله تحلیلی |
| حوت ۱۳۹۶ | مصنویت شهری: برنامه بازبینی بنای صلح شهری در افغانستان | یما ترابی | ✓ | ✓ | حمایت اجتماعی | پالیسی نامه |
| جنوری ۲۰۱۸ | مطالعه بازنمایی: میکانیزم های نهادی برای مهار کردن قاچاق انسان در افغانستان | ولی محمد کندیوال | | | حمایت اجتماعی | پالیسی نامه |
| مارچ ۲۰۱۸ | مطالعه بازنمایی: میکانیزمهای نهادی برای مهار کردن قاچاق انسان در افغانستان | سوپرو نراسیمهیا | | | حمایت اجتماعی | نشریه تحلیلی |
| جنوری ۲۰۱۸ | نوع شناسی منازعهء کوچی- ده نشین در افغانستان | داکتر انتونیو گستوزی | ✓ | ✓ | مدیریت منابع طبیعی | نشریه تحلیلی |
| عقرب ۱۳۹۶ | خلاصه ای در مورد منازعه کوچی و باشندگان محل در افغانستان | داکتر انتونیو گستوزی | ✓ | ✓ | حمایت اجتماعی و معیشت | چکیده |
| اسد ۱۳۹۶ | باز نگری قضایی در افغانستان | غزال حارس | ✓ | ✓ | قانون اساسی | پالیسی نامه |
| اسد ۱۳۹۶ | تکامل قوه اجرائیه در افغانستان: نگاهی به گذشته و پیشنهادهایی در مورد راه پیشرو | کاوون کاکر، توماس کریمر، همایون رنوفی | ✓ | ✓ | قانون اساسی | پالیسی نامه |
| جوزا ۱۳۹۶ | حکومتداری شهری: ارزیابی برنامه انکشاف شهری در افغانستان | دتلیف کامیر، ذبیح الله عیسی | ✓ | ✓ | حکومتداری و اقتصاد سیاسی | پالیسی نامه |
| جوزا ۱۳۹۶ | حکومتداری معادن: سیستم مؤثر جمع آوری عواید صنایع استخراجی در افغانستان | جاوید نورانی | ✓ | ✓ | حکومتداری و اقتصاد سیاسی | پالیسی نامه |
| جوزا ۱۳۹۶ | حکومتداری مهاجرت: تکامل مفاهیم و چارچوب نهادی در افغانستان | ولی محمد کندیوال، هلن سی سی | ✓ | ✓ | حکومتداری و اقتصاد سیاسی | پالیسی نامه |
| حمل ۱۳۹۶ | اصلاحات خدمات ملکی در افغانستان: نقش و وظایف سکتور خدمات ملکی | سید حشمت الله هاشمی، گیرهارد لاونت | ✓ | ✓ | حکومتداری و اقتصاد سیاسی | مقاله مسأله محور |

| | | | | | | |
|--------------|--|---|---|---|--|-------------|
| نشریه تحلیلی | برنامه ریزی، بودجه گذاری و حکومتداری در سطح ولایتی | | | نعمت الله بیژن، فرحت امیل و هارون نایب خیل | نزدیک ساختن دولت با مردم: غیرمتمرکز ساختن پلانگذاری و بودجه سازی | جولای ۲۰۱۶ |
| نشریه تحلیلی | جامعه مدنی و حکومتداری | | | اورخالا اشرف نعمت و کرین ورنر | نقش جامعه مدنی در ترویج حکومتداری خوب در افغانستان | جولای ۲۰۱۶ |
| نشریه تحلیلی | معادن و حکومتداری | | | جاوید نورانی و لین دی بروکر | اقدام متوازن کننده برای حکومتداری سکتور منابع | می ۲۰۱۶ |
| مطالعه موردی | مدیریت منابع طبیعی | | | وینسنت توماس با مجیب احمد عزیز و خالد بهزاد | توسعه منابع آبی فرامرزی: چه دیدگاه هایی برای همکاری در میان افغانستان، ایران و پاکستان وجود دارند؟ | می ۲۰۱۶ |
| پالیسی نامه | جنسیت | ✓ | ✓ | لیا ویلفردا آر. ای. پیلانگو، چونا آر. اچاوز، پرویز طفیل، سید مهدی موسوی | نگاه نزدیک به مردان و «انواع مردانگی»: مشارکت فعال مردان در برابری جنسیتی | می ۲۰۱۶ |
| کتاب | مدیریت منابع طبیعی | | | دیوید منسفیلد | دولت سست بنیان: چگونه تریاک تیشه به ریشه افغانستان زد | اپریل ۲۰۱۶ |
| خلاصه نامه | مدیریت منابع طبیعی | ✓ | ✓ | پل فیشترین | یادداشت مختصر بر تحقیق ساحوی در ولایت قندهار، دسمبر ۲۰۱۵ الی جنوری ۲۰۱۶: کوکنار و معیشت روستایی | اپریل ۲۰۱۶ |
| توضیح نامه | حکومتداری | | | آنتونیو جیوستوزی و علی محمد علی | اردوی ملی افغانستان پس از آیساف | مارچ ۲۰۱۶ |
| خلاصه نامه | مدیریت منابع طبیعی | ✓ | ✓ | دیوید منسفیلد | اصل در جزئیات: سقوط روزافزون ننگرهار به دامن شورشگری، خشونت و تولید وسیع مواد مخدر | فبروری ۲۰۱۶ |
| نشریه تحلیلی | جنسیت | ✓ | ✓ | چونا آر. اچاوز، سید مهدی موسوی و لیا ویلفردا آر. ای. پیلانگو | سوی دیگر نابرابری جنسیتی: مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان | جنوری ۲۰۱۶ |

ISBN 978-9936-641-09-9



9 789936 641099

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

ناحیه ۱۰، سرک ۱، فیز A، شهر نو
کابل، افغانستان

شماره تماس: ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+

ایمیل: publications@areu.org.af

وبسایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را می‌توانید از صفحه انترنتی
این اداره www.areu.org.af
دریافت نمایید.

همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را می‌توانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
بدست آورید.

